

Journal iranian political sociology

Vol. 5, No.11, Bahman2023

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.309901.2450>

Governmental Terrorism In International Law; With Perspective to the Aassassination of Sardar Qassem Soleimani

Abstract

One of the most important challenges of international law and the universal community is increasing development of terrorism. Terrorism comes in many forms, including the division into governmental and non-governmental terrorism. The main difference between state terrorism and non-state terrorism is its perpetrator. This means that the perpetrators and planners of non-state terrorist acts are individuals, groups and parties, and the perpetrators and planners of state terrorist acts are one or more specific states.

The present article seeks to study the concept of governmental terrorism, survey international law approach on this issue and finally explain the assassination of Sardar Qassem Soleimani from the perspective of international law. The results of this investigation indicate that actions of US forces in targeting Sardar Soleimani doesn't fit in the scope of Article 51 of the UN Charter in the form of self-defense and has no legal justification and contrary to the principles of international law and it is in sense of governmental terrorism.

Key Words: Governmental Terrorism, Qassem Soleimani, International Law, Self-defense

تروریسم دولتی در حقوق بین الملل؛ با نگاهی بر ترور سردار قاسم سلیمانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱

زهرا شهبازی^۱

مسعود بسامی^۲

چکیده:

یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل و جامعه جهانی گسترش روز افزون تروریسم است. تروریسم به اشکال مختلفی واقع می شود که از جمله می توان به تقسیم بندی به تروریسم دولتی و غیردولتی اشاره کرد. تفاوت تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در اجراءکننده آن است. بدین معنی که اجراء کننده و طراح اعمال تروریستی غیردولتی؛ افراد، تشکل ها و احزاب اند، و مجری و طراح اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند. مقاله حاضر به دنبال آن است که تا ضمن بررسی مفهوم تروریسم دولتی، به مطالعه دیدگاه حقوق بین الملل نسبت به این موضوع پرداخته و در نهایت ترور سردار قاسم سلیمانی را از منظر حقوق بین الملل تبیین نماید. نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که اقدام نیروهای آمریکایی در هدف قرار دادن سردار سلیمانی در حیطه ماده ۵۱ منشور ملل متحد در قالب دفاع مشروع جای نمی گیرد و فاقد وجاهت حقوقی بوده و خلاف اصول حقوق بین الملل و مصادق تروریسم دولتی است.

واژگان کلیدی: تروریسم دولتی، قاسم سلیمانی، حقوق بین الملل، دفاع مشروع.

^۱ گروه حقوق، واحد اسلام آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد، ایران.

^۲ گروه حقوق، واحد اسلام آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام آباد غرب، ایران (نویسنده مسئول) mbassami1360@gmail.com

در قرن بیستم و بیست و یکم استفاده از واژه ترور و تروریسم بیشتر از قرون قبل شده است و دلیل آن بروز برخوردهای خشونت‌آمیز بین احزاب و گروه‌های مختلف در یک کشور یا انجام عملیات خراب‌کارانه در خاک کشور بیگانه به وسیله فرد یا گروه یا کشور خارجی است (بزرگی، ۱۳۹۰: ۲۳۱). بنابراین امروزه تروریسم از تهدیدی ملی به تهدیدی جهانی مبدل گشته و بیم آن می‌رود که با گسترش آن صلح و امنیت بین‌المللی به خطر افتد (کوشا و نمایان، ۱۳۸۷: ۲۳۴).

در حال حاضر تروریسم به اشکال مختلفی انجام گرفته و تقسیم‌بندی‌هایی از آن صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی اشاره کرد. اختلاف عمده تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در اجراء آن است؛ بدین معنی که مجری و طراح اعمال تروریستی غیردولتی افراد، تشکل‌ها و احزاب اند، و مجری و طراح اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۰).

در این میان یکی از کشورهایی که به دفعات از تروریسم دولتی استفاده کرده است دولت آمریکا می‌باشد. به عنوان نمونه در بمباران سیزدهم دی ماه ۱۳۹۸ برابر با سوم ژانویه ۲۰۲۰ ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده مبارزه با تروریسم تکفیری به دست نیروهای آمریکایی و به فرمان مستقیم رئیس‌جمهور این کشور صورت گرفت که با بازخوردهای متعدد داخلی و بین‌المللی همراه بود و دیدگاه‌های مختلفی مبنی بر "حق دفاع مشروع"، "تروریسم دولتی"، "نقض حاکمیت و تمامیت ارضی دولت عراق"، "تجاوز" و مانند آنها در رسانه‌ها و محافل گوناگون مطرح شد. انطباق یا عدم انطباق هر یک از این دیدگاه‌ها و رویکردهای سیاسی و حقوقی مذکور با اصول و قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل موضوعی است که اهمیت داشته و نیاز به بررسی دارد. از جمله انطباق یا عدم انطباق اقدام مذکور با عناوین تروریسم دولتی و دفاع مشروع.

از این رو در این پژوهش سعی خواهد شد تا ابتدا به بررسی مفهوم تروریسم دولتی پرداخته و پس از آن رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به این موضوع بررسی و در نهایت ترور سردار قاسم سلیمانی را از منظر حقوق بین‌الملل تبیین نماید. لذا سوالات تحقیق حاضر عبارتند از: ۱- حقوق بین‌الملل نسبت به تروریسم دولتی چه رویکردی دارد؟ ۲- ترور سردار قاسم سلیمانی از نگاه حقوق بین‌الملل چه وصف و ماهیتی می‌تواند داشته باشد؟

۱- مبانی و مفاهیم

تعاریف مختلفی از تروریسم توسط نویسندگان صورت گرفته است. برخی گفته‌اند: «تروریسم گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه مورد نظر که وسیع‌تر از قربانیان جرم می‌باشد و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد.»

نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷: ۳۲۶). لیکن تعریف جامع و کاملی از تروریسم در جامعه بین المللی تاکنون صورت نگرفته، اما جنبه ها و ویژگی های آن در اعلامیه ها، قطعنامه ها و کنوانسیون های بین المللی مرتبط با تروریسم، مورد اشاره قرار گرفته است. نسبت به تروریسم در گذشته نگاه دولت محور حاکم بوده است ولی در حال حاضر جنبه فراملی نیز به خود گرفته است (فرهاد نیا و هنجانی، ۱۳۹۸: ۷).

حوزه مطالعاتی تروریسم به علت ناکامی در ارائه تحلیلی پایدار از تروریسم دولتی و محکومیت اخلاقی آن، با انتقادهای تندرو به رو شده است. نشانه و دلیل، تمرکز انحصاری بر «تروریسم از پایین» در برابر «تروریسم از بالا» است که نشان می دهد از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ تنها در کمتر از دو درصد نوشته ها در نشریات پژوهشی مربوط به تروریسم به موضوع «تروریسم دولتی» پرداخته شده است (زمانی، ۱۳۹۲: ۴۵).

پژوهشگران در زمینه تروریسم، چون دولتها نیز می توانند درگیر ترور سیاسی شوند، ترجیح می دهند تروریسم دولتی را نادیده گیرند. با این همه، این فرض که دولتها همواره مخالف تروریسم دولتی و مدافع نظم اجتماعی هستند، نادرست است. زیرا دولتها چنانچه از دیدگاه سیاسی به مصلحت بدانند، بسته به ضرورت از گروههای تروریست برای ایجاد نظم پشتیبانی خواهند کرد. همچنین محدود کردن بررسی تروریسم به بازیگران غیردولتی مانع ارزیابی درست و واقعی از عوامل اقدامات تروریستی میشود، زیرا بارها دیده شده است که حکومتها برای پاسداری از سیطره سیاسی خود از تروریسم بهره گرفته اند.

در نخستین گزارش کمیته ویژه تروریسم بین الملل تروریسم دولتی چنین تعریف شده است: «خشونت ترس آوری که در مقیاس گسترده و با بهره گیری از مدرن ترین ابزارها بر ضد تمام جمعیت کشور (یا یک کشور دیگر) و به قصد تسلط بر، یا مداخله در امور داخلی آنها صورت می گیرد. همچنین شامل تهاجم نظامی دولتهای بزرگ به دولتهای دیگر است که به اسم اقدام پیشگیرانه یا تلافی جویانه، استقلال و یکپارچگی سرزمینی دولتهای جهان سوم را نقض می کند» (پتروس غالی، ۱۳۸۴).

مالانزاک^۱ نیز در تعریف تروریسم دولتی، آن را نوعی از تروریسم دانسته که یک دولت چارچوب مرزهای خود مرتکب می شود. از دیدگاه او، تروریسم دولتی در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم و قبل از تصویب منشور ملل متحد، شامل ترورهای سرخ و سیاه می شده که رژیمهای توتالیتر انجام می داده اند (سمیعی، ۱۳۹۴: ۸۰).

این فرض که دولت ها همیشه مخالف تروریسم دولتی و مدافعان نظم اجتماعی هستند، خطاست. چرا که دولتها چنانچه از لحاظ سیاسی مصلحت بدانند، بنابه ضرورت از گروه های تروریستی جهت ایجاد نظم حمایت خواهند نمود. همچنین محدود کردن بررسی تروریسم به بازیگران غیردولتی مانع از ارزیابی صحیح و واقعی عوامل اقدامات تروریستی می گردد، چرا که مشاهده شده که حکومت ها اغلب از تروریسم برای حفظ و تقویت سیطره سیاسی خود بهره می گیرند.

لمبرت^۲ بر این باور است که تروریسم دولتی، اعمال خشونت توجیه ناشدنی به دست یک دولت و ارگانهای تشکیل دهنده آن در مورد شهروندان (خواه کل جمعیت و خواه بخش خاصی از آن مانند اقلیتها و مخالفان سیاسی، مذهبی و

1 - Malan Zac

2 - Lambert

قومی) ساکن سرزمینهای اشغالی است که با توسل به ابزارهایی چون شکنجه، بازداشت‌های غیرقانونی، قتل و ناپدید کردن اجباری مخالفان یا حتی مردمان عادی صورت می‌گیرد (سمیعی، ۱۳۹۴: ۸۱).

۱-۱- تروریسم دولتی داخلی (در مورد شهروندان)

از دید الکس اشمید^۳، تروریسم دولتی داخلی پیشینه درازتری در سنجش با دیگر گونه‌های تروریسم سیاسی دارد. و از این رو مهم‌ترین مباحث معطوف به آن شده است. برخی نویسندگان، اقدامات دستگاه‌های اطلاعاتی و پلیسی دولتها در چارچوب هراس افکنی خشونت‌آمیز و کشتار سیاسی برای کنار زدن مخالفان سیاسی خود، تروریسم دولتی داخلی است (دردریان، ۱۳۸۴: ۹۱). برخی دیگر معتقدند که تروریسم داخلی به گونه زیر در درون کشور صورت می‌گیرد:

الف- شرکت‌کنندگان در کارهای تروریستی و قربانیان آن تابع همان کشوری هستند که کار تروریستی در آن صورت گرفته است. ب- نتایج کارهای تروریستی محدود به همان کشور می‌شود. ب- شرکت‌کنندگان در کارهای تروریستی در درون مرزهای آن کشور حضور دارند. ت- برنامه ریزی و مقدمات فعالیت تروریستی در سرزمین حاکمیت قانونی و منطقه ای آن دولت انجام می‌پذیرد (صفتاج، ۱۳۸۱: ۶۲).

بر این پایه چنانچه دولتی به نحوی که در فوق ذکر شد دست به اعمال تروریستی بزند، تروریسم دولتی داخلی واقع شده است. تروریسم دولتی داخلی می‌تواند دو هدف داشته باشد: الف- سرکوب مردمان، غیر سیاسی کردن یا نرمش پذیر کردن آنان در زمینه سیاسی. ب- کاستن از گرایش جمعیت به پشتیبانی از جنبشهای انقلابی یا ضد حکومتی دیگر (هنل، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

همچنین، بسته به اندازه دخالت و نقش دولتها در کارهای تروریستی در مورد شهروندان، تروریسم دولتی داخلی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- تروریسم هدایت شده از سوی دولتها: در این گونه از تروریسم، دولتها در راستای منافع خود برای حفظ آرامش، به عملیات تروریستی بر ضد مخالفان سیاسی که بیشتر از اتباع داخلی هستند دست می‌زنند و در این راه از راهنمایی و سازماندهی نیروهای ویژه ای که به همین منظور ایجاد شده‌اند برخوردارند. برای نمونه، می‌توان اقدامات ژاکوبینهای فرانسه، نازیهای آلمان (۱۹۳۳-۱۹۴۵) حکومت توتالیتراستالین در دهه ۱۹۳۰ و همچنین حکومت ایدی امین در اوگاندا را در این دسته جای داد (سیمبر، ۱۳۸۰: ۳۴).

ب- تروریسم با چشم پوشی دولت: این گونه از تروریسم دولتی است که در آن گروههای تروریست برای پاسداری از نظم به یاری حکومت می‌شتابند. روشن است که در این حالت حکومت نه تنها آنها را بر می‌تابد که تشویقشان نیز می‌کند. بهترین نمونه در این زمینه را می‌توان اقدامات خشن جوخه‌های مرگ در السالوادور، گواتمالا و کلمبیا دانست که مورد حمایت ارتش و دولت بودند و برای هراساندن مردمان عادی و سرکوب مخالفان و انقلابیون و خشونت کردن حکومت دست به این کارها می‌زدند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۱۳).

پیش از این، براساس حقوق بین الملل سنتی، دست کشورها در گرداندن کارهای داخلی باز بود و جامعه جهانی نمی‌توانست در اداره امور سیاسی کشورها دخالت کند، ولی پس از جنگ جهانی دوم با برآمدن و گسترش فرامین حقوق بشر، اصل تاریخی حاکمیت مطلقه دولتها به چالش کشیده شد و دولتها ملزم به رعایت حقوق و آزادیهای شهروندان

³ - Alex Schmid

شدند. (مجیدی، ۱۳۸۶: ۹۸) این روند در ده سال گذشته با عملیات گوناگون سازمان ملل و نیز سازمانهای منطقه ای زیر عنوان مداخله بشردوستانه، اصل سنتی احترام به حاکمیت و استقلال دولتها را در نوردیده است. آنچه را بسیاری کسان بعنوان تروریسم دولتی می شناسند، از سالها پیش ذیل عنوان نقض حقوق بشر طرح شده و برای آن چاره اندیشی می شده است.

۱-۲- تروریسم دولتی خارجی (در برابر دولتها)

تروریسم دولتی در معنای دیگری نیز به کار می رود. در این معنا، تروریسم دولتی که می توان پسوند بین الملل نیز بر آن افزود تا از تروریسم دولتی در برابر شهروندان خودی تمیز داده شود، ناظر به اقدامات خشن و مداخله جویانه دولتهای نیرومند در امور داخلی دولتهای ناتوان است که پنهانی با پشتیبانی از گروههای تروریستی مخالف این دولتها یا آشکارا به صورت مداخله نظامی انجام می گیرد (دیپیم، ۱۳۸۱: ۷۶). به سخن دیگر، پشتیبانی مستقیم یا غیرمستقیم دولتها از گروههای تروریست (که می تواند به صورت تأمین مالی این گروهها یا پناه دادن و آموزش اعضای آنها یا پشتیبانی دیپلماتیک از آنها باشد) تروریسم خارجی است. کمابیش بیشتر دولتها از این گونه تروریسم دولتی برای رسیدن به هدفهای خود بهره می گیرند، اما به علت بار معنایی منفی آن، یکدیگر را متهم به ارتباط با آن می کنند (دردریان، ۱۳۸۴: ۹۲).

اینگونه از تروریسم می تواند بسته به روش به کار رفته، دوگونه داشته باشد:

الف- تروریسم نظامی، به معنای کاربرد زور تروریستی از سوی نیروهای نظامی یک دولت در برابر یک هدف نمادین در موجودیت هدف گیری شده است. ب- تروریسم زیر نظر یک دولت که در آن، زور تروریستی به دست نیروهای تروریست جانشین به کار می رود، نیروهایی که روابط پنهان با دولت پشتیبان دارند (هنل، ۱۳۸۳: ۲۱۳). لاکوئر معتقد است که این نوع تروریسم بیشتر بعد از جنگ جهانی دوم رایج گردید و در این دوره شوروی عمدتاً آمریکا را متهم به دست داشتن در این نوع اقدامات تروریستی می کرد و آمریکایی ها نیز متقابلاً شوروی را متهم به حمایت از تروریسم می نمودند (سمیعی، ۱۳۹۴: ۸۰).

بنابر نظر وایت^۱ عمده ترین دلایلی که کشورهای طرف دار تروریست به این فعالیت می پردازند را می توان، یکی عدم دسترسی مسالمت آمیز به اهداف سیاسی خارجی این کشورها در عرصه بین المللی و در برابر دیگر کشورها و یا به عبارتی عدم برآورده شدن آن دسته از اهداف سیاست خارجی که از طرق سیاسی یا نظامی غیر قابل دستیابی می باشند دانست و دیگر آنکه به کارگیری تروریسم دولتی شیوه ای کم خرج و کم خطر برای هدایت سیاست خارجی و دست یابی به اهداف دولت ها می باشد (همان: ۸۱). برای مثال اغلب دولت ها جهت به دست آوردن و یا تثبیت نمودن پایگاه قدرت و نفوذ خود در بین نهضت های ایدئولوژیک از تروریسم حمایت می کنند. همچنین تروریست های تحت حمایت حکومت ها می توانند از کمک های دولت که در غالب تأمین اسلحه، اسناد سفر، ارتباطات و پناهگاه ها که جهت آموزش عملیات تروریستی در اختیارشان قرار می گیرند برخوردار شوند. بدین ترتیب دولت ها می توانند بدون اینکه مشروعیت و وجهه ی خود را در عرصه بین المللی تضعیف کنند، مخفیانه برای دستیابی به اهداف خود فعالیت های تروریستی را تأمین مالی کنند و مورد پشتیبانی قرار دهند (طیب، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

¹-M. White

اما نکته مهم دیگر که از مباحث فوق به دست می‌آید این است که اعمال تروریستی چه به صورت دولتی و چه توسط افراد و گروه‌ها، هنگامی رخ می‌دهد که فرد، گروه و یا دولت از نظر نیرو و توان ضعیف باشد و اقتدار لازم را در جهت برآوردن خواسته‌های خود به صورت مسالمت آمیز نداشته باشد (آل حبیب، ۱۳۷۵). در چنین حالتی است که اقدام تروریستی می‌تواند به عنوان یک گزینه ی پیش رو در راستای دست‌یابی به اهداف انتخاب گردد. برخی معتقدند اگر تروریسم بین‌المللی با دخالت دولتها، هدایت، تقویت یا اجرا شود در این حال یکی از جرایم بین‌المللی دولت است که به شرح مذکور در ماده ۳۹ منشور ملل از آن به عنوان تهدید علیه صلح، یاد شده است (توحیدی فرد، ۱۳۸۲، ۵. به نقل از کوشا و نامیان: ۱۳۸۷، ۲۴۰). شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه‌های خویش که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ در باب تروریسم صادر نموده است، تروریسم دولتی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار است (کوشا و نامیان، ۱۳۸۷، ۲۴۰-۲۴۱).

۲- تروریسم دولتی و حقوق بین‌الملل

در چارچوب مباحث پیش‌گفته می‌توان این‌گونه عنوان نمود که یکی از اساسی‌ترین معضلات که همواره باعث ایجاد ناامنی برای بشریت گردیده، پدیده‌ی تروریسم می‌باشد که شکل‌گیری آن مشکلات زیادی را چه در عرصه‌ی داخلی و چه در عرصه‌ی بین‌المللی برای جوامع رقم زده است. اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در راستای مقابله با تروریسم تصویب شده است که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون ژنو ۱۹۳۷، اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل درخصوص؛ اقدامات درجهت حذف تروریسم بین‌المللی مقرر در قطعنامه ۴۹/۶۰ سال ۱۹۹۴، کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم (۱۹۹۹)، قطعنامه شماره ۱۵۶۶، مصوب ۲۰۰۴ شورای امنیت سازمان ملل نسبت به اعمال جنایتکارانه علیه غیرنظامیان و ایجاد رعب در مردم یا گروه‌های خاص و قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت (۲۰۰۴)، اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین مواردی که از جمله شیوه‌های خطرناک در مقابله با تروریسم نیز به شمار می‌رود، اقدامات ضد تروریستی دولتی (تروریسم دولتی) است که برای مبارزه با گروه‌های تروریستی با عنوان اقدامات ضد تروریسم از جانب دولت‌ها صورت می‌گیرد (ایو، ۱۳۸۲: ۳۴). با توجه به آنکه هنوز تعریف جامع و کاملی از تروریسم وجود ندارد که همه‌ی گونه‌های آن را پوشش دهد، لذا اغلب شاهد به‌کارگیری اقدامات ضد تروریستی بر علیه گروه‌هایی که در مقام دفاع از خود تلاش می‌کنند هستیم و این بدان خاطر است که حیظه‌ی عمل تروریسم مشخص نگردیده است و لذا بعضی وقایع در صف اعمال تروریستی گنجانده می‌شوند. این عوامل در مجموع باعث جلب توجه سازمان‌ها و نهادهای حقوق بین‌الملل گردیده و در نهایت این سازمان‌ها را در صدد چاره‌جویی برای حل آن واداشته است (لیمن، ۱۳۸۴: ۵۶). اما نکته‌ی اساسی این است که جامعه‌ی بین‌الملل در مواردی که تروریسم با حق تعیین سرنوشت روبه‌رو می‌گردد موضع‌گیری یکسانی از خود نشان نداده است که این نیز به دلیل وجود مشکلات عدیده‌ای است که دولت‌ها و جامعه‌ی بین‌الملل همواره در مقابله با تروریسم با آن مواجه بوده‌اند. از مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی جامعه‌ی بین‌الملل می‌توان موارد زیر را خاطر نشان ساخت؛

۱- "ضعف حقوق بین‌الملل" در برخورد با تروریسم که به علت عدم وجود ضمانت اجرایی لازم و کافی برای

تحقق تصمیمات متخذه از جانب نهادهای حقوقی آن صورت گرفته است.

۲- عدم وجود "مرجع قانون‌گذاری فراملی" که کشورها به احکام آن به صورت قهری عمل نمایند.

۳- "ضعف دولت‌ها" در برخورد با پدیده‌های تروریستی و تسلیم شدن به خواسته‌های تروریست‌ها و دادن امتیاز به آنها و عدم تعقیب قضایی و محاکمه‌ی جدی آنان باعث تشدید اعمال تروریستی گردیده است.

۴- برخوردها و "رفتارهای دوگانه‌ی قدرت‌های بزرگ" با موارد متفاوت تروریسم بین‌الملل.

۵- عدم همکاری میان کشورهای "مختلف جهان (هیگینز، ۱۳۹۰: ۸۹).

قابل ذکر است که ممنوعیت توسل به اقدامات تروریستی در حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی همانند مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تثبیت شده است. در مخاصمه مسلحانه داخلی نیز اقدامات تروریستی ممنوع می‌باشد و دولت‌ها باید ضمن اجتناب از ارتکاب عمل تروریستی در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی با به کار بستن کلیه تلاش‌های لازم از ارتکاب عمل تروریستی از سوی افراد خصوصی یا در سرزمین تحت صلاحیت خود خودداری نمایند. از اینرو، حقوق بشر دوستانه، اعم از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل‌های الحاقی، حقوق عرفی و سایر معاهدات موجود در این زمینه نه تنها بدون هیچ استثنائی، اقدامات تروریستی ارتکاب یافته در جریان یک مخاصمه، اعم از داخلی یا بین‌المللی را ممنوع می‌کنند، بلکه نقض عمده کنوانسیون‌های ژنو در قالب اقدامات تروریستی از دیدگاه حقوق بشر دوستانه بعنوان یک "جنایت جنگی" تلقی شده و دولت‌ها را مکلف می‌کند تا متهمین به ارتکاب جنایات جنگی را در قالب صلاحیت جهانی نزد محاکم قضایی خود، تعقیب و مجازات کنند.

۳- ترور سردار قاسم سلیمانی از منظر قواعد حقوق بین‌الملل

در بامداد سیزدهم دی ماه ۱۳۹۸ برابر با سوم ژانویه ۲۰۲۰ ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده مبارزه با تروریسم تکفیری به دست نیروهای آمریکایی و به فرمان مستقیم رئیس‌جمهور این کشور صورت گرفت که سبب طرح بحث‌های مختلف گردید. از جمله آنکه از دید حقوق بین‌الملل، توسل به زور و تروریک مقام عالی رتبه نظامی، نه در میدان نبرد، نه در یک مأموریت نظامی، بلکه در مأموریتی سیاسی، چه وصف و ماهیتی می‌تواند داشته باشد. جهت بررسی موضوع ابتداء لازم است به ذکر زمینه‌ها و وقایع مرتبط با ترور سردار سلیمانی بپردازیم. ذکر زمینه‌ها منتهی به شهادت سردار سلیمانی از این جهت ضروری است که مقامات آمریکایی با تفسیرهای خود از این وقایع سعی در موجه جلوه دادن اقدام خود در ترور سردار سلیمانی داشته‌اند. در مبحث بعد نیز ماهیت حقوقی ترور سردار قاسم سلیمانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- وقایع مرتبط با ترور سردار سلیمانی

۱-۱-۳- اشغال عراق

در پی اشغال کویت توسط رژیم بعث عراق در دوران حکومت صدام حسین شورای امنیت سازمان ملل متحد با احراز نقض صلح و امنیت بین‌الملل این اقدام رژیم عراق را محکوم کرد و چندین قطعنامه علیه عراق صادر شد از جمله قطعنامه ۶۷۸، ۲۸ نوامبر ۱۹۹۰ که لزوم کنترل رفتار عراق در مرزهای این کشور با کویت، جبران خسارت و انهدام سلاح‌های کشتار جمعی را مقرر نمود. در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۱ بوش رییس‌جمهور وقت آمریکا در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام نمود که صدام تعهدات و الزامات قطعنامه ۶۷۸ را نقض کرده است و این امر بهانه تهاجم آمریکا و متحدانش به عراق شد. در ۱۹ مارس ۲۰۰۳ حمله نظامی به عراق آغاز شد و پس از بیست روز

بمباران هوایی حکومت صدام حسین سقوط کرد (صلاحی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). متعاقب این امر ژنرال جی گارنر و متعاقباً پل برمر آمریکایی، به عنوان مسئول دولت سرپرست عراق تا تشکیل دولت مردمی تعیین گردیدند و نیروهای نظامی آمریکایی وارد خاک عراق شدند. در سال ۲۰۰۵ دولت مردمی در عراق تشکیل گردید. در نوامبر ۲۰۰۸ موافقتنامه امنیتی (موسوم به سوفا) میان عراق و آمریکا مورد قبول پارلمان عراق قرار گرفت که مقرر می داشت سربازان آمریکایی تا پایان سال ۲۰۱۱ عراق را ترک خواهند کرد. همچنین مطابق مفاد این توافق نامه عراق از آمریکا می خواهد تا در مقابله با گروه های تروریستی و غیر قانونی به آن کمک کند. مطابق این توافق نامه هر گونه عملیات نظامی باید با موافق دولت عراق و هماهنگی با نیروهای عراق انجام شود (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۶۰).

۲-۱-۳- وقایع عراق نزدیک به زمان ترور سردار سلیمانی

در اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی کشور عراق با تظاهرات مردمی مواجه شد که در برخی موارد با تحریکات و مداخله قدرت های خارجی رنگ ضد ایرانی به خود گرفت و منجر به حملاتی به کنسولی گری های ایران در نجف و کربلا شد. در تاریخ ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ طی یک حمله راحتی به یک پایگاه آمریکایی در نزدیکی شهر کرکوک عراق یک پیمانکار آمریکایی کشته شد. آمریکا حشد الشعبی را مسئول این کار دانست. لیکن این گروه مسئولیت این حمله را نپذیرفت. در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹ نظامیان آمریکایی نیروهای حشد الشعبی را مورد بمباران هوایی قرار دادند که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از آنها گردید. متعاقب این اقدام هواداران حشد الشعبی اقدام به محاصره سفارت آمریکا در بغداد نمودند که پس از چند روز بدون هیچ گونه صدمه ای به دیپلماتها این فائله خاتمه یافت (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۶۱). ترامپ این حادثه را به ایران نسبت داد، در حالی که ایران هرگونه دخالت در این موضوع را رد کرد. اما ترامپ گفت: «ایران مسئول هرگونه حادثه یا خسارتی در هریک از امکان ماست. آنها هزینه سنگینی خواهند پرداخت. این یک هشدار نیست. یک تهدید جدی است.» بالاخره در سوم ژانویه ۲۰۲۰ پهباد آمریکایی در خاک عراق خودروی حامل سردار سلیمانی و ابو مهندس المهدی از فرماندهان حشد الشعبی مورد حمله قرار دارد و منجر به کشته شدن و شهادت آنها گردید.

۲-۳- ماهیت حقوقی ترور سردار قاسم سلیمانی

۱-۲-۳- ادعاها و توجیهات آمریکا

۱-۱-۲-۳- ادعای وجود خطر و حمله از جانب ایران

وزارت دفاع آمریکا با صدور بیانیه ای اعلام کرد که ترور سردار سلیمانی «به دستور قاطع ترامپ و به منظور پیشگیری از حملات آتی ایران بوده است.» همچنین ادعا کرد که سلیمانی مسئول مرگ صدها آمریکایی و مسئول حمله راکتی ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ به پایگاه آمریکایی در نزدیک شهر کرکوک عراق و نیز محاصره سفارت آمریکا در بغداد بوده است (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۶۲). ترامپ و وزیر امور خارجه اش حمله راکتی به پایگاه آمریکایی و نیز محاصره سفارت این کشور در بغداد را به ایران نسبت دادند. ترامپ همچنین اظهار داشت سلیمانی در حال طراحی یک حمله قریب الوقوع نظامی و قطعی علیه دیپلماتها و نظامیان آمریکا بوده است، اما ما برنامه او را قطع و متوقفش کردیم (همان).

وزارت دفاع آمریکا و ترامپ قدر مشترک ادعاهایشان استناد به دفاع از خود بوده است. اما در گزارش رسمی ارایه شده به کنگره آمریکا اظهارات و ادعاهای مقامات دولت ترامپ با چالش‌ها و تردیدهای جدی مواجه شده است. در این گزارش آمده است: مقامات دولتی مدعی شده‌اند که سلیمانی در حال طراحی یک عملیات بوده که جان آمریکایی‌ها را به خطر می‌انداخته، اما مدارک و شواهد محرمانه‌ای ارایه شده، از سوی شماری از اعضای کنگره صریحاً و رسماً مورد انکار واقع شده است (Cohen, 2020). در فراز دیگری از این گزارش آمده: «ترامپ در مصاحبه‌ای در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۰ اظهار داشت بر این باور بوده که سلیمانی در حال طراحی حملات گسترده به چهارسفارتخانه آمریکه بوده، حال آنکه وزیر دفاع در ۱۲ ژانویه گفت گزارش مشخصی حاکی از وجود چنین تهدیدی را ندیده است» (Clayton, 2020: 2). در مجموع توجیحات بیان شده از سوی ترامپ از نظر بسیاری از اعضای کنگره و کارشناسان آمریکای فاقد وجهت کافی بوده و حتی مطابق قوانین آمریکا پذیرفته شدنی تلقی نشده است.

۲-۱-۲-۳- استناد به دفاع مشروع

همانگونه که اشاره شد قدر مشترک ادعای‌های دولت ترامپ در ترور سردار سلیمانی، دفاع از خود بوده است که لازم از در پرتو مباحث مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه بررسی شود.

یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر، تحریم جنگ و منع توسل به زور است. ماده ۴ منشور ملل متحد بیان می‌دارد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشور یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابین داشته باشد خودداری خواهند نمود.» به رغم پذیرش این موضوع، حقوق بین‌الملل در مواردی استفاده از زور و مبادرت به جنگ را مشروع و قانونی دانسته است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۲۰). به تعبیر دیگر اصل منع توسل به زور در منشور با دو استثناء مواجه است که البته تبیین و تفسیر موارد استثناء از موضوعات چالش برانگیز حقوق بین‌الملل می‌باشد. این دو استثناء در مواد ۴۲ و ۵۱ منشور بیان شده‌اند. (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۶۴. ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۲۰) ماده ۴۲ منشور به شورای امنیت اجازه داده است تا چنانچه به تشخیص این شورا، تدابیر نظامی مقرر در ماده ۴۱ کافی نبوده یا نخواهد بود، به منظور حفظ یا اعاده صلح و امنیت به مقتضای ضرورت تصمیم به استفاده از نیروهای نظامی بگیرد. ماده ۵۱ نیز توسل به زور را در مقام دفاع مشروع انفرادی یا جمعی از خود به عنوان حقی ذاتی در پاسخ به حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل مجاز شمرده است. آنچه مسلم است در ارتباط با حمله سوم ژانویه و ترور سردار سلیمانی، امکان توسل به سیستم امنیت جمعی مقرر در فصل هفتم منشور وجود نداشته و شورای امنیت تصمیمی که بتوان این حمله نظامی را به آن مستند نمود اتخاذ نکرده است. از این رو تنها راهی که آمریکا تلاش کرد برای موجه جلوه دادن اقدام خود در پیش گیرد سعی در جهت طرح ادعای دفاع مشروع بوده است.

دفاع مشروع به وضعیتی اطلاق می‌شود که بر اساس آن به کشور مورد تجاوز مسلحانه حق می‌دهد تا به فوریت متوسل به زور شده و با دفاع از خود، دشمن تجاوزگر را دفع کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۳۳). در وجود اصلی کلی که دفاع مشروع را به عنوان استثنایی بر ممنوعیت توسل به زور در روابط بین‌الملل می‌داند تردیدی نیست. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد بیان می‌دارد: «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانیکه شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بعمل آورد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود خواه فردی خواه دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهند کرد. اعضاء باید اقداماتی را که در اعمال این

حق دفاع از خود بعمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند.» بنابراین ماده ۵۱ «حق ذاتی» هر دولت به دفاع مشروع در صورت مواجهه با یک حمله مسلحانه را می‌پذیرد (ابراهیم گل، ۱۳۹۵: ۱۳۶). مطابق ماده ۲۱ مصوبه کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت (موسوم به طرح کرافورد) در صورتی که فعل دولتی اقدام قانونی دفاع مشروع برطبق منشور ملل متحد باشد فاقد وصف متخلفانه بین‌المللی است.

دفاع مشروع مبتنی بر دو شرط اساسی است: یکی تجاوز و دیگری متناسب بودن عملیات تدافعی با حدود تهاجم (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۳۴). درمورد اول اینکه می‌بایست اساساً تجاوزی منطبق با مفهوم تجاوز در حقوق بین‌الملل معاصر صورت گرفته و عملیات تجاوزکارانه تجلی خارجی و عینیت پیدا کرده، باشد. زیرا تصور دفاع بدون تجاوز میسر نیست. مطابق رای دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگو، یکی از شرایط دفاع مشروع این است که دولت بزه دیده مورد یک تجاوز مسلحانه قرار بگیرد. (توحیدی فرد، ۱۳۸۱: ۱۷۴) بنابراین در هر شرایطی وقوع «حمله مسلحانه» شرط اساسی و اصلی دفاع مشروع است (علیزاده، ۱۳۹۸: ۱۲). درمورد دوم دفاع باید معقول و متناسب با تجاوز باشد.

با توجه به آنچه ذکر گردید فروض ذیل خارج از چهارچوب دفاع مشروع محسوب می‌شود: الف- پیشدستی در حمله به انگیزه دفع تجاوز احتمالی در آینده - این تجاوز احتمالی ممکن است به صورت تهدید به تجاوز، اعلان جنگ، بسیج همگانی نیروها، تجمع نیروهای مسلحانه در مرز باشد. در این حالت کشوری که احتمال می‌دهد مورد تجاوز قرار خواهد گرفت تنها می‌تواند شرح واقعه را به شورای امنیت گزارش کند و شکایت لازم را مطرح سازد، لیکن تا زمانی که حمله مسلحانه‌ی نظامی واقع نشده است به هیچ وجه حق مبادرت به عملیات جنگی به عنوان دفاع مشروع را ندارد. ب- تجاوز متقابل کشور مورد تجاوز به کشور متجاوز. ج - مقابله با نیروهای کشور متجاوز با وسایل و ابزار غیرمتناسب. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۳۴-۳۵).

با توجه به متن ماده ۵۱ دولتی که می‌خواهد به دفاع مشروع استناد کند باید وقوع حمله نظامی مسلحانه به خود را ثابت کند حال آیا آمریکا مورد حمله مسلحانه ایران واقع شده است؟ وزارت دفاع آمریکا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که «این اقدام به دستور قاطع ترامپ و به منظور پیشگیری از حملات آتی ایران بوده است.» همچنین ادعا کرد که سردار سلیمانی در مرگ صدها آمریکایی و حمله راکتی ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ به پایگاه آمریکایی در نزدیک شهر کرکوک عراق و نیز محاصره سفارت آمریکا دست داشته است (منتظران و جعفری، ۱۳۹۹: ۱۹). ترامپ همچنین اظهار داشت سلیمانی در حال طراحی یک حمله آتی قریب الوقوع علیه دیپلمات‌ها و نظامیان آمریکا بوده است (همان).

به رغم روابط غیردوستانه میان ایران و آمریکا واقعیتی که وجود دارد عبارت است از عدم وجود مخاصمه مسلحانه میان دو کشور. اگرچه مقامات آمریکایی مدعی شدند ایرانی‌ها به ما حمله کردن و ما پاسخ آنها را دادیم اما بعد از چند روز بر روی ادعای «حمله قریب الوقوع» تمرکز کردند. به نحوی که در ادامه بررسی خواهد شد هیچ یک از ادعاهای دولت آمریکا قابل انطباق با قوانین و مقررات بین‌المللی نیست. مسلماً دولت آمریکا مورد حمله مسلحانه ایران قرار نگرفته و دولت آمریکا مدرکی در این خصوص ارائه نداد. البته حمله موشکی به پایگاه نظامی آمریکا در نزدیکی کرکوک و نیز محاصره سفارت آمریکا در بغداد توسط نیروهای حشد الشعبی به دولت ایران نسبت داده شد. در پاسخ به این ادعا باید اذعان داشت اولاً دولت آمریکا هیچ دلیلی و مدرکی در این خصوص ارائه نداده است. از

سوی دیگر این اقدام هرگز مورد تایید ایران واقع نشد و حتی پس از چند روز محاصره بدون صدمه و خسارات جانی و مالی خاتمه یافت و حتی اگر هم خسارتی وارد شده باشد متوجه دولت عراق است. ثانیاً در مورد ماهیت حشد الشعبی در ساختار داخلی عراق می توان به قانون حشد الشعبی مصوب ۲۶ نوامبر ۲۰۱۶ اشاره کرد که به موجب آن حشد الشعبی بخشی از نیروهای رسمی و قانونی دولت عراق است که تحت نظارت نخست وزیر عراق قرار دارد. (منتظران واصغری، ۱۳۹۹: ۱۵). بنابراین مسئولیت اقدامات آنها نیز متوجه دولت عراق خواهد بود. حتی به فرض صحت ادعای ترامپ، نیروهای نظامی آمریکا با حمله نیروهای حشد الشعبی و کشتن و مجروح کردن آنها اقدامی تلافی جویانه و نامتناسب انجام دادند. ثالثاً حمله راکتی به پایگاه نظامی آمریکا، حمله ای ناشناس بوده و حشد الشعبی مسئولیت آن را به عهد نگرفت.

بنابراین به روشنی دیده می شود که اقدام نیروهای آمریکایی در هدف قرار دادن حشد الشعبی و سردار سلیمانی هرگز نمی تواند در حیطه ماده ۵۱ منشور ملل متحد جای گیرد. هدف قرار دادن نیروهای نظامی تنها در حین مداخلات مسلحانه مجاز بوده و به هنگام صلح هیچ مجوزی برای این منظور نمی توان صادر کرد. (تنها بامجوز شورای امنیت و یادرفالاب دفاع مشروع). (بیگدلی، ۱۳۸۱: ۶۵).

نکته ای که در این بخش قابل ذکر است، موضوع دفاع پیش دستانه می باشد. دفاع پیش دستانه هر چند به طور صریح در ماده ۵۱ منشور نیامده است اما رویه برخی دولتها دفاع در برابر حمله قطعی قریب الوقوع را نیز مجاز شناخته است. البته دفاع نمی تواند در برابر تهدید به حمله در آینده که فاقد مدارک است صورت گیرد چنین دفاعی پیشگیرانه و غیرقانونی است و جایگاهی در حقوق بین الملل نداشته و از پشتوانه نظریه های تفسیری و رویه قضایی نیز برخوردار نیست. (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۷۳). امروزه این اتفاق نظر وجود دارد که حمله پیشگیرانه خود نوعی تجاوز است و در حقوق بین الملل جایگاهی ندارد. نظریه دفاع مشروع پیشگیرانه رویکردی است غیر معقول که معتقد به اقدام دفاعی است که در آن یک دولت به منظور از بین بردن حملات محتمل الوقوع آینده به زور نظامی متوسل می شود (جلالی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در سال ۱۹۴۹ تمامی اعضا کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل مشروعیت دفاع پیشگیرانه را رد کردند. (منتظران، اصغری، ۱۳۹۹: ۱۷) پس هرگونه دفاع بدون آنکه مسبوق به حمله نظامی باشد، فاقد ارزش حقوقی بوده و دفاع مشروع محسوب نمی شود. (علیزاده، ۱۳۹۸: ۱۲) بنابراین از آنجاکه حمله قریب الوقوع و انجام عملیات نظامی از جانب سردار سلیمانی صورت نگرفته بوده و سند موثقی نیز در این مورد وجود ندارد تا طرف آمریکایی بر مبنای آن ادعا کند که ضرورت ایجاب می کرده برای حفظ جان خود به سرعت برای دفع خطر وی وارد عمل شوند، لذا قتل سردار سلیمانی و همراهانش، با توسل به راهبرد ترور هدفمند از سوی آمریکا، اقدامی خودسرانه و غیرقانونی و نامشروع است. اقدامی که از آن می توان به عنوان نقض اصول و قواعد حقوق بین الملل از جمله منع سلب حیات، به عنوان قاعده ای آمره و متعاقب آن نقض حقوق بشر دانست (علیزاده، ۱۳۹۸: ۲۱).

۳-۲-۲- حمله آمریکا مصداق جنایت تجاوز

اقدام خود سرانه آمریکا در عین دارا بودن وصف تروریستی می تواند مصداق اعمال متخلفانه بین المللی دیگری نیز باشد از جمله جنایت تجاوز علیه عراق. همانگونه که ذکر شد مطابق توافق نامه امنیتی میان آمریکا و عراق، آمریکایی ها می بایست تا پایان سال ۲۰۱۱ خاک عراق را ترک کنند و نیز اینکه آمریکا از استفاده از قلمرو عراق برای حمله

به سایر کشورها منع شده است. بنابراین براساس توافق نامه امنیتی نیروهای آمریکا مجاز به انجام عملیات نظامی در خاک عراق نبوده‌اند. وزارت خارجه عراق طی دو شکایت رسمی به ریس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل، حمله نظامی آمریکا و ورود به قلمرو دولت عراق نقض استقلال و حاکمیت و تمامیت سرزمینی کشور عراق تلقی دانسته و عملی تجاوزکارانه تلقی نمود. (منتظران و اصغری، ۱۳۹۹: ۱۶).

طبق ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین المللی کیفری (معاهده رم): «منظور از عمل تجاوزکارانه، استفاده از نیروهای مسلح از سوی یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر نحو دیگر ناسازگار با منشور ملل متحد است». همچنین طبق قسمت ب بند ۲ ماده مرقوم بمباران کردن قلمرو دولت دیگر توسط نیروهای مسلح یک دولت یا استفاده از هرگونه سلاح به وسیله یک دولت بر ضد قلمرو دولت دیگر، عمل تجاوزکارانه توصیف می‌شود. (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۲۱). با توجه به تعریف مذکور از تجاوز، به نظر می‌رسد اقدام دولت آمریکا منطبق با تعریف تجاوز باشد. بر همین اساس عادل عبدالمهدی نخست وزیر وقت عراق در بیانیه‌ای اقدام آمریکا را نقض توافقی این کشور با آمریکا و مصداق عمل تجاوز و نقض حاکمیت عراق توصیف عراق دانست. در این بیانیه آمده است: «به شدت و در بالاترین حد خود اقدام دولت آمریکا در ترور شهید حاج ابومهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی و دیگر شخصیت‌های عراقی و ایرانی را محکوم می‌کنیم. ترور فرمانده نظامی عراقی که منصب رسمی داشت، تجاوز به عراق محسوب می‌شود؛ همچنین اقدام به ترور فرماندهان کشور برادر در خاک عراق، نقض آشکار حاکمیت عراق است»^۱.

در مجموع حمله نیروهای آمریکایی در چارچوب هیچ کدام از استثنائات ذکر شده قرار نمی‌گیرد و اقدام آنها به روشنی در تضاد با دو اصل منشور ملل متحد یعنی منع توسل به زور و نیز اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها قرار می‌گیرد. همچنین ناقض توافقی دوجانبه دولت آمریکا با عراق بوده و مصداق تعریف تجاوز مندرج در معاهد رم (فضائلی، ۱۳۹۹: ۱۵۳) و نمونه بارز تروریسم دولتی است (منتظران و جعفری، ۱۳۹۹: ۱۷).

¹ - <http://www.qudsonline.ir/news/۶۸۶۰۵۸>

منشور ملل متحد، دو استثناء را بر منع مطلق توسل به زور شناسایی کرده است که عبارت‌اند از ۱- اقدام نظامی بر اساس نظام امنیت جمعی . ۲- دفاع مشروع . حمله پهباد آمریکایی به سردار شهید سلیمانی و ابو مهدی مهندس و همراهانشان، در چارچوب هیچ‌کدام از استثنائات ذکرشده قرار نمی‌گیرد و نمونه بارز تروریسم دولتی است. لذا این اقدام به‌روشنی در تضاد آشکار با این اصل مهم و اساسی منشور یعنی منع توسل به زور دولت‌ها قرار می‌گیرد، موضوعی که در نظام حقوق بین‌الملل اکیداً ممنوع است. بعلاوه این حمله تجاوز به حریم حاکمیت سرزمینی کشور عراق نیز می‌باشد. عراق به‌عنوان یک کشور مستقل که دارای دولت مستقل بوده و یکی از اعضای سازمان ملل متحد است؛ مثل هر کشور دیگر دارای حق حاکمیت است. اقدام هوایی آمریکا برای تدارک ترور و ورود به حریم هوایی عراق، نقض حق حاکمیت دولت و ملت عراق است.

در خصوص ادعای دولت آمریکا مبنی بر دفاع مشروع باید اشاره داشت بر اساس قوانین جاری بین‌المللی حکومت‌ها زمانی می‌توانند متوسل به حمله نظامی شوند که حمله‌ای تهدیدآمیز پیش رو بوده و راه دیگری برای مقابله و دفع آن وجود نداشته باشد. از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران، حمله مسلحانه‌ای را که توجیه‌گر توسل به اصل ۵۱ منشور سازمان ملل بوده باشد، علیه آمریکا صورت نداده است از طرف دیگر میان کشور ایران و آمریکا، حالت جنگ مسلحانه نظامی وجود نداشته ، در نتیجه استناد به قاعده دفاع مشروع متفی می‌باشد.

منابع

- آل‌حیب، اسحاق، (۱۳۷۵)، «معضل تروریسم و اقدامات سازمان ملل متحد برای مواجهه با آن»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۳ .
- ابراهیم گل ، علیرضا، (۱۳۹۵)، «مسئولیت بین‌المللی دولت، چاپ هشتم، انتشارات شهر دانش.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، «مفهوم تروریسم»، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل»، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، تابستان.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، «حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران: نشر میزان.
- امین‌زاده، الهام، (۱۳۸۱)، «مفهوم دفاع مشروع در قبال تروریسم»، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات روزنامه رسمی.
- ایو، ساندوز، (۱۳۸۲)، «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها»، ترجمه حسن، سواری، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹.
- پترس غالی، پترس، (۱۳۸۴)، «سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی، ترجمه سید قاسم، زمانی، (۱۳۹۲)، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق)، تهران: نشر نی.
- توحیدی فرد، محمد، (۱۳۸۱)، «ضمانت اجرای کیفری منشور ملل متحد، چاپ اول، انتشارات وزارت امور خارجه.
- دردریان، جیمز، (۱۳۸۴)، «گفتمان تروریستی: نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهانی، ترجمه بزرگی، وحید، بزرگی، (۱۳۹۰)، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق)، تهران: نشر نی.
- دیهم، علیرضا، (۱۳۸۱)، «نگاه اجمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم»، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات روزنامه رسمی.

- ساندوز، ایو، (۱۳۸۲)، «مبارزه علیه تروریسم و حقوق بین‌الملل: خطرات و فرصت‌ها»، ترجمه سواری، حسن، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و همکاران، (۱۳۹۴) «ترور، تروریسم و ترور دولتی»، مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۹۹.
- سیمبر، رضا، (۱۳۸۰)، «تروریسم در روابط بین‌الملل؛ چالش‌ها و امیدها»، نشریه راهبرد، شماره ۲۱.
- شریعت باقری، محمد جواد، (۱۳۹۳)، «اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل.
- صادقی حقیقی، دیدخت، (۱۳۸۳)، «نهضت‌های رهایی‌بخش ملی و تروریسم بین‌الملل از دید حقوق بین‌الملل»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۲۰۶-۲۰۵.
- صالحی، سهراب، (۱۳۹۱)، «بازخوانی دلایل اشغال عراق از منظر حق توسل به زور و بررسی آثار آن در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲.
- صفتاج، مجید، (۱۳۸۱)، «تروریسم صهیونیستی، تهران: جمعیت دفاع از ملت فلسطین.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، «حقوق جنگ، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «تحلیل قطعه‌نامه‌های اخیر شورای امنیت در مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی»، مجموعه مقالات همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، انتشارات روزنامه رسمی،
- طیب، علیرضا، (۱۳۸۴)، «تروریسم در فراز و فرود تاریخ، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق)، تهران: نشر نی.
- عبدالله‌خانی، علی، (۱۳۸۶)، «تروریسم‌شناسی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فضائی، مرتضی، (۱۳۹۹)، «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به زور»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب»، سال هفتم، شماره دوم.
- فرهادنیا، سعید و هنجی، علی، (۱۳۹۸)، «چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری در مقابله با تروریسم»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۰.
- فلوری، موریس، (۱۳۸۴)، «حقوق بین‌الملل: ابزاری برای مبارزه با تروریسم، ترجمه زمانی، سید قاسم، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق)، تهران: نشر نی.
- کوشا، جعفر و نامیان، پیمان، (۱۳۸۷)، «جایگاه اعمال تروریستی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۳)، «حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لایمن، مایکل. پاتر، گری، (۱۳۸۴)، «تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، ترجمه زمانی، سید قاسم، و طیب، علیرضا، (۱۳۸۵) تهران: نشر نی.
- مجیدی، سید محمود، (۱۳۸۶)، «جرائم علیه امنیت (مطالعه تطبیقی جرائم جاسوسی، تبانی، محاربه و تروریسم در حقوق کیفری ایران و فرانسه)، تهران: نشر میزان.
- منتظران، جاوید. اصغری، سید جعفر، (۱۳۹۹)، «ترور سپهبد شهید قاسم سایمانی از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق بشر دوستانه»، پژوهشنامه رسالت بین‌الملل، سال پنجم، شماره پنجم.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۰)، «ملاحظات در باب تروریسم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۴-۳۳.

نجفی ابرند آبادی، علی حسین. هاشم بیگی، حمید، (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

نجفی اسفاد، مرتضی، (۱۳۸۱)، «بررسی اجمالی تروریسم در کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل هوایی»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تروریسم، وزارت امور خارجه.

هنل، ریچارد، (۱۳۸۳)، *تروریسم، شکل جدید جنگ*، ترجمه احمد واحدیان، مشهد: سخن گستر.

هیگینز، روزالین، (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل عام، تروریسم (تاریخ، جامعه‌شناسی، گفت‌وگو، حقوق)*، ترجمه زهرا کسمتی، تهران: نشر نی.

-Clayton, Thomas, "US Killing of Qasem Soleimani, Frequently Asked Questions", Congressional Research Service(CRS), January 13, 2020, at <https://cresreports.congress.gov./R46148>.

-Cohen, Zachary, "Skepticism Mounts over evidence of 'imminent' threat that Trump says justified Soleimani killing", January 6, 2020, at www.edition.cnn.com/middleeast/live-new/us-iran-soleimani-tenntions-intl-01-۲۰/index.html. CNN, January 6, 2020